

## زمین پوشیده بود از برف و من به میله بسته شده بودم

منبع: کمپین فعالین بلوچ

دی ۹۵

محمدصابر ملک‌رئیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

باعرض سلام وخسته نباشید خدمت ریس جمهور منتخب مردم ایران زمین؛

جناب آقای حسن روحانی:

احتراما به استهزار آن مقام عالی وارجمند منتخب مردمی می رسانم، اینجانب محمد صابر ملک رییسی فرزند داد علی با ش.ش.۵-۱۵۲۲-۰۰۶۴۵ که به اتهام عضویت در گروه ریگی دستگیر و در دادگاه عمومی انقلاب زاهدان محکوم به ۱۵ سال تبعید به زندان اردبیل و دوسال حبس از حیث خروج غیر قانونی از مرز گشته ام و حال نیز ۷سال و ۳ماه است که در زندان و محل تبعیدم به سر می برم لازم به ذکر است که عرض نمایم این جانب در زمان اتهامات انتصابی وارد ۱۷ سال سن داشته و محصل دوره دوم متوسطه بوده ام و مرتکب اتهامات انتصابی وارد شده، نشده بودم و فقط تعطیلات تابستان سال ۱۳۸۸ به کشور پاکستان از طریق غیر قانونی وارد و خارج شده ام و این ورود و خروج از مرز به دلیل دیدار با برادر متواری ام که دوسال قبل به دلیل عدم همکاری با وزارت اطلاعات کشور متواری بود شده ام و حال به عرض شما آن مقام عالی و منتخب مردم ایران زمین می رسانم این جانب فقط به دلیل محکوم شدن غیر منصفانه دست به قلم نشده ام چون عقیده دارم چون بارها باعث ناراحتی پدر و مادرم شدم مستحق محکومیت شاید باشم اما...

به هرحال دست به قلم شده ام تا به شما عرض نمایم ما زندانی هایی که به اتهام معاند نظام جمهوری اسلامی ایران دستگیر می شویم از طریق زندان بان ها یا همان مسوولین مورد ضرب و جرح قرار می گیریم، مسولینی که خود را پیرو جمهوری اسلامی و مارا خائن به مملکت می دانند و هر نوع برخورد با ما را مبارزه با دشمنان جمهوری اسلامی می دانند در حالی که ما از جهت قانون فقط زندانی بوده و هیچ فرقی با زندانیان جرائم دیگر نداریم و حق داریم در چارچوب قانون و مقررات نظام جمهوری اسلامی دوره محکومیت خود را سپری کنیم و تبعیض جرمی و مذهبی از نظر قانون هیچ معنایی ندارد، مسولین خود را متعصب و انقلابی جلوه می دهند در صورتی که خود حق ما را اجهاف می کنند و قوانین جمهوری اسلامی را زیر پا می گذارند.

اینجانب بارها خواسته ام در خصوص وضعیت مان به صورت رسمی نامه ایی به سازمان زندانیها و نهادهای دولتی دیگر بفرستم اما هیچ وقت موفق به اینکار نشده ام چون بارها نامه هایم از طرف مسولین زندان مهر و امضاء نشده و در نهایت از بازرسی خروجی توقیف شده اند. و از این جهت هم مورد بازخواست ها و گرفتار عواقب تهاجمی مسولین برای نوشتن این نامه ها شده ام که در نهایت منجر به اعزام نشدنم به بیمارستان برای مداوای بیماریم که سالهاست از آن رنج می برم و از طرفی مانع برای تهیه مدارک لازم از پزشکی قانونی برای صحت بیمارام نیز گشت وهم اکنون نیز برای اعتراض به برخورد یکی از مسولین باینده به قرنطینه منتقل شده ام در ضمن روز چهارشنبه ۹۵/۱۰/۸ ساعت ۸ صبح با پا بند و دست بند میله ایی که به این منظور به دیوار وصل شده بیرون از آسایشگاه و حیاط زندان می باشد بسته شدم و در این هوای سرد زمستانی اردبیل و زمین پوشیده از برف تا ۱۰ شب هنگام خاموشی زندان به قرنطینه منتقل شده ام و نیز باید خاطر نشان کنم که حتی به هنگام نماز از آن حالت خارج نشده ام و نماز های ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با اشاره ادا کرده ام و حتی در آن حالت نیز دمپایی هایم را از پایم کشیدند و در حالی بودم که از سوز سرما بارها از پروردگرم تقاضای مرگ کرده ام وقتی به قرنطینه منتقل شده ام تا صبح از بدن درد و سردرد خواب به چشمانم نیامد و نیز به ناچار و اجبار برای بهتر شدن وضعیتم دست به اعتصاب غذا زده ام و خواستار برخورد قانونی شده ام و از شما آن مقام محترم منتخب مردمی خواهشمندم متوجه این زندانی هایی که سالهاست در زندان به سر می برند و هر نوع توهین و تحقیر و رنجی را تحمل می کنند و هیچ فریاد رسی جز پروردگارشان ندارند، باشید و به تقاضای این زندانی که فقط تقاضای برخورد قانونی با جرائم ماست توجه نمائید و اقدامات لازم را برای این منظور، منظور نمائید .

{ودر هرحال ما را پروردگارانم کافیسست}

اجرکم عند الله با سپاس فراوان به شما آن مقام منتخب مردمی .

«زندانی محمد صابر ملک رییسی فرزند دادعلی زندانی زندان مرکزی اردبیل»